

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: احمد مزارعی

۰۵ دسمبر ۲۰۱۲

در سوریه چه میگذرد؟

نویسنه: خانم دکتر نادیا خوست*. ترجمه: احمد مزارعی چهارم دسامبر ۲۰۱۲

توزیع کنندگان و فروشندگان نفت سیاه در حلب، و صنعت خورا برای بازرسان جامعه عرب اینگونه توضیح دارند: «ما عده ای فقیر و ضعیف هستیم، گروه های مسلح را همارا بر ما می بندند، نفت سیاه ما را می دزدند، ما سینه های ما را یا نابود میکنند و یا آن را می دزدند و خود ما را نیز قتل می رسانند». بدین شکل وسیله معاش این قشر از دست ن گرفته شده و سر حلب از نفت سیاه محروم ماند.

بازرسان به گواهی مجروحان تجاوزکارهای گروه های مسلح، گوشت می رهند، در کورک که در آن تپو وسط همین گروه ها روبرو شده و قتل رسیده اند، احساس میکنند، این حواش بطور مستند از نظر زمانی و مکانی به ثبت رسیده و گویندگان و گواهان هم حضور دارند، خبر گزاران تلویزیونهای سوریه نیز این گزارشات را بطور مستند پیش کرده اند، شهروندان سوریه آشکارا شکایت خود را به جمع و در ردی غلطی هستند که در وطنشان میگذرد، حوادثی که در تاریخ معاصر سوریه دیده نشده است؛ قطع قطع کردن اعضای بدن کشته ها، خارج کردن قلبشان، سوزاندن و شکنجه آنها. در تاریخ ۲۰۱۲/۱۱/۸، جمعی از مردم حمص در یاربردشدا شمع بدست در میدانی جمع شدند. گروه های مسلح به آنها حمله کرده عده ای از آنان را کشته و عده را هم زخمی کردند، بعد از این مراسم شاهد حزن و درونج آنان گشتیم، در تاریخ ۲۰۱۲/۱۱/۱۰، گروه های مسلح یک مهندس را کشته، همکارش را زخمی و یک آموزگار را ربودند و درس در کلاسها را ممنوع کردند، تاکنون یکبار مدرسه کاملاً تخریب نموده اند.

با این وجود آنچه که رسانه های غربی اعلام میدارند، در سوریه مشکل میان مخالفان سیاه دولت که خواهان اصلاحات هستند و دولت که اصلاحات را نمی پذیرد نیست. مشکل سوریه نتیجه عملکرد گروه های مسلح و مجموعه ای از جنایات و خرابکاران است که به جامعه شهروندی سوریه که طی دهه به امنیت و آرامش عادت کرده حمله میبرند. کمی از پرستاران به گروهی از بازرسان سازمان ملل اظهار داشت: «ما حتی ساعت یک بعد از نیمه

سبب درامن و امان کامل از بیارستان نجانہ باز میگیریم، اما اکنون هیچکس جرأت نمیکند سبب درخیا با آنها حرکت کند". این حرف کاملاً بیانگر واقعیت تازه است، یکی از اهداف گروهها مسلح در تخیل رسانیدن جمعی افراد بیس و ارتش، گسترش هرج و مرج و مرج در کشور است، درست همان سیاستی که بوش در عراق اجرا کرد، متلاشی کردن دولت و مسلط کردن گروهها مسلح. اساساً غرض این پروژه را با تمام توان دنبال میکند. هنگامیکه دولت سوریه اعلام راست که افراد گروهها مسلح که سلاح خود را تحویل دولت دهند مجبور نخواهند شد، کلبنون فوراً اعلام راست که: "اسم خود را تحویل ندهید".

اگر کسی خالصانه نخواهد بداند که حقیقت چیست، برایش روشن خواهد شد که گروهها قابل و جناحیکار، با استفاده از گستره کردن وحشت و تخریب، برنامه تقسیم سوریه را با جبار میآورند، هدف آنان شکستن آتوریته دولت و ادامه از میان بردن موقعیت فعلی دولت سوریه است که در برابر مشروع اسرائیل مقاومت میکند. در نظر بگیریم که یکی از تصمیمات سازمان صهیونیسم بین المللی چنین بود: "باید دو کشور سوریه و عراق به مناطقی جدا از یکدیگر بر اساس عرق و مذهب و طایفه تقسیم گردد و این باید خبر اهداف اولیه اسرائیل باشد. گام اول در این راه متلاشی کردن نیروی نظامی دو کشور است". این هدف در اولین روز اشغال عراق بوسیله برایم انجام گرفت و اولین حکم وی "اخلال ارتش عراق" بود، در سوریه نیز بطور گسترده ای افراد ارتش را مورد هدف قرار میدهند، تاکنون در سوریه یکینزار افسر و سرباز به دست گروهها مسلح قتل رسیده اند. مطبوعات سوریه گزارشات را انتشار داده اند که از قول افسران سوریه که ربوده شده اند، گفته اند که آنها را تحت شکنجه های وحشتناک قرار داده تا در تلویزیون الجزیره شهادت بدهند که آنان خود از ارتش جدا شده اند.

هم اکنون از حقیرانه ترین و فرومایه ترین روشها برای ظلم و آزار ملت سوریه، استفاده میشود. برای مثال گروهها مسلح صاحبان مغازه های را در شهرهای حرستا، داریا و حومه دمشق مجبور میکنند تا مغازه های خود را ببندند، تا بگویند اعتصابات عمومی برپا شده اند، هرکس مغازه خود را نبندد، فرزندش ربوده شده و قتل میرسد. در شهر رعا مغازه داری خود قتل رسیده و همسرش زخمی شده، زیرا مغازه خود را نبست. مغازه داری در حصص بمن توضیح داد که دهها دستور تلفنی دریافت داشته که باید مغازه ام را ببندم، وی گفت مجبور به بستن هشتمین معین از مغازه های بسته شده فیلمبراری کرده به الجزیره میفرستند و اعلام میدهند که مردم به درخواست آنان مبنی بر اعتصاب عمومی پاسخ داده اند، و یا تبلیغ میکنند که شهرک از وحشت نیروهای امنیتی دولت سوریه تبدیل به شهر اشباح شده است. در ادامه همین سیاست سه برادر را در یکروز قتل رساندند تا نیروهای امنیتی سوریه را متهم قتل آنان کرده تا بدینوسیله مردم را بر علیه دولت بسوزانند. گفتگفت انگیزتر اینکه همین توطئهکاران به جنایات خود آشکارا اعتراف میکنند و گویا راستی معمولی تعریف و توصیف میکنند، هم چنین با دگس اعتراف کردند که در تعامل دریافت پول فوری را قتل رساندن تا مطبوعات خارجی بنویسند نیروهای امنیتی سوریه فرد مذکور را قتل رسانیده

است. این توحش و فرومانگیا بطور کامل در تضاد با فرهنگ و عفت است که ملت سوریه با آن زندگی کرده اند. بر این اساس مسئله اساساً خلاف سیاست نیست، بلکه برای ملت سوریه مسئله اصلی بقا و خویش است. بیان آشکار این وضعیت و موقعیت ملت سوریه را در تظاهرات بسیار عظیم و ناگهانی آنان باید دید که در برابر تقسیم اتحادیه عرب منتهی به لغو عضویت سوریه، از خود نشان دادند و تظاهرات بسیار گسترده و عظیم دیگری که پس از بهر انقیاد مردم بان بر منجر شدند. هر آنکس چیزی از تاریخ و فرهنگ سوریه میداند، متوجه میشود که ملت سوریه میخواهد وطن خود را نجات دهد، امروز فریاد مردم سوریه بالاتر از صدای سیاستمداران است، این فریاد در تظاهرات عظیم زنان حجاب دار، بی حجاب جوانان، پیر مردان و کودکان مآهده کرد که با چهره سوز و حماسی بنحی با آنها سر ریز میشوند و قاطعانه با هر گونه دخالت خارجی در امور کشورشان مخالفت میکنند، آنان آشکارا دولت قطر را قبیح میکنند، حاکم کوردی عرب را مورد انتقاد قرار داده، سارکوزی، کلنتون و با ما راه در مورد کمکهایشان به گروهبانهای مسلح محکوم میکنند.

هم اکنون در مقابل ملت سوریه قرار داریم که دارای آگاهی بسیار بالاست، میدانند که باید توطئه استعماری، آمریکایی، اسرائیلی و روسیه که جنگی نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و تبلیغاتی سر علیه او پیش میبرد. ^① در این جنگ، ترکیه، کشورهای امارات و در پیشانی آنان قطر قرار دارد و دولت فرانسه هدایت جنگ را بعهده دارد، آنها در زمینه نظامی از سازمان القاعده و از نظر سیاسی از بعضی سوریه‌ای خارج نشین استفاده میکنند. مردم سوریه، روش اقتصادی وفادار مسئولین را که بر علیه مردم بکار میبرند، مورد انتقاد قرار داد، اما ملت آگاه جنوبی ترک میکنند که دخالت غرب در سوریه برای دیکتاتورها صلاحات نیست، بلکه برای اینکه موقعیت سوریه را که در مخالفت با برنامه‌های غرب و همپوشانی است، از میان ببرند. هم اکنون ملت سوریه بمباران استونی قدرتمند و استوار در دیدان جنگ ایستاده و هر روز اسلوب‌های نوینی را در مقابل با پروژه تقسیم مذهبی، عرق و طایفای، ابداع میکنند؛ گر رها می‌کند که در راه پیوند غرب، رنگرزه می‌شدید با دخالت بیگانگان در امور سوریه مخالفت کرد، برگزاری عبادات مشترک میان علمای اسلام و رهبران مذهبی مسیحی، در کلیسا و هیئت بزرگ از زنان سوریه که از رهبر مسیحیان سوریه دیدن کرد و در مورد دفاع از مسیحیان شرف، بانان اطمینان داد و...

ماروئهای دیگری که انبان برای دراز مدت در برنامه دارند، تا به اذیت سوریه و در هم شکسته، سر زندگی را از آنان بگیرند و کرامت ملی و حیثیت آنها را خوار کنند، میتوان را می‌نمود به تحریمهای اقتصادی، اشد کرده. بستن حاره که بر تانکهای نفت و نفت سیاه، منجمد کردن لوله‌های گاز که سوخت کارخانه‌های برق را تأمین میکند، منجمد کردن لوله‌های نفت، آتش زدن مؤسسات عمومی در شهرها، دستبرد به ترلیهائی که مواد غذایی اساسی همچون شکر و برنج را برای استانها حمل میکنند، انهدام پلها و ریلها را آه آه، آتش زدن شهرها و مراکز پلیس، بلی تا به بنویسیم زندگی روزمره ملت را تبدیل به درد و مشقت کنند، قطع برق در ساعاتی تنگ و در روزی که فقر و طبقت متوسط از همه اینها بویژه گران می‌کند، بسیار جزا آور است.

اما هم این در درون نجی که بر مردم سوریه تحمیل میگردد، کس حساب شروع غرب استعمارگر و عوامل منطقه ای آنها نمیکند، مردم سوریه هر آنکس را که خواستار تحریم سوریه میشود، رستن خود و عامل استعمار میداند، زیرا این فتنه ای اقتصادی موجب خونریزی بیشتر و شکسته شدن حیات امن و آرام سوریه میگردد آنچه که اکنون در سوریه میگردد، از قتل و ترور استادان دانشگاهی، مهندسی، بدون گستره کودکان، تجاوز به زنان، هدف امنیت که زندگی روزانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را درهم بشکنند. برای مثال جنایات گروههای مسلح فعلیهای فرهنگی را متوقف نموده است، هم اکنون مراکز فرهنگی موجود در سوریه حتی در دولت های دور افتاده با فقر و بی کاری فرهنگی روبرو هستند، اجزای تأثیر در رسانه های خصوصی و دولتی کاملاً متوقف شده است. در سوریه بهای بلبلت تأثیرها، سالهای موسیقی، بازید از سوزن های و مراکز نمایش هنر، بسیار اندک و در حد رایگان بود، اما کدام شهر و نوجوان اجازه میداد که به مراسم تأثیر برود در حالیکه سر سر سوریه مردم عمار دارند و یا طیف از برگزاری مراسم عید میلاد و جشن سال نویسی خود را می کرده اند. به گروههای مسلح اقتصاد سوریه دچار خسارتها میجران نایز بر می کرده اند، آنان هم مؤسسات مردمی را آتش زده و لوله های نفت و گاز را منهدم میکنند، آنان به حاره بین المللی مابین حلب و دمشق حمله کرده، حرکت اقتصادی و ارتباط عمومی را متوقف میسازند آنان دوبار حمله گاه های را در حلب آتش زدند و سرانجام صدها محبوس از شدت غم و غصه فوت کرد، این حوارث زندگی شهر و زنان را درهم میکند و همگان در خانه های خود درباره این حوارث غم انگیز صحبت میکنند، رزیم موضوعات فرهنگی و ادبی از میان مردم رخت بر می بندد.

در چنین شرایطی مردم از ارتش درخواست حمایت میکنند، اما حاکم عرب از دولت سوریه میخواهد که ارتش را از خیابانها جمع آوری کند. معروف است که نیرو های پلیس با اسلحه های ابتدائی که دارند، توانائی مقابله با نیرو های مسلح خرابکاران ندارند، باین علت بود که دولت مجبور شد ارتش را به خیابانها بیاورد، باین دلیل که دولت سوریه اسرائیل را دشمن اصلی میدانست، لذا بیشتر در جهت تقویت ارتش کوشید و پلیس در حد لازم مجبور شد. اما با وجود این دولت ارتش را از خیابانها خارج ساخت، اما گروههای مسلح با سوء استفاده از فرصت پیش آمده بر رامننه جنایات خود افزودند. بر همین اساس بود که، مادر ساره سعود که کودکش بدست تروریست ها قتل رسیده بود، فریاد جگر خراش برآورد که اگر ارتش در خیابانها بود، فرزندم کشته نمیشد، در غیاب ارتش، گروههای مسلح، بر احوال مردم دمشق رفت و آمد میکردند، از شهرک دمالمحیطه به شهر قدسیا میرفتند و با گلوله و موشک بر خانه های مردم حمله میکردند، اما حاکم بین المللی و رسانه های غربی، کانالهای فضائی مزور عربیه و الجزیره، همگی از آنان حمایت میکنند.

مسئله این باند های مسلح یک شبه، از آسمان بر زمین نیامده اند، بلکه نتایج الیم آنان در طی ده سال اخیر در جامعه کاست، در این دوره قشری هاشمی نشین پدید آمدند، در این کیبوجه و شرفاسدی کجش دولتی را غارت کرده بودند و بر رواج اقتصاد بازار طبل کوبیده بودند، فاسدان را در نیا خود گرفتند

و در دریا با وسیله آنان به داخل سوریه تسلیم می‌شوند. احساس غبن و حقارت اجتماعی و اقتصادی در میان طبقه فقیر متراکم شد و سیاستمداران متروکی شده نتوانستند از نظر فرهنگی مردم را راهنمایی کنند تا مبارزات آن راه صحیحی بخود بگیرد، در عمل آنان را در مقابل اما مان مسا جد و هابیهای عقب افتاده رها کرده و باین شکل آنان نتوانستند مردم فقیر را بخدمت خود در آورده و در شکل گروهبان مسلح سازماندهی شوند، همراه با این وضعیت دخالت خارجی نیز که از قبل زمینه‌هایش را فراهم آورده بودند، وارد شده و با گسترش قاچاق اسلحه فراوان به داخل سوریه، کنترل بسیاری مناطق را در دست گرفتند. (۲)

قبل از حوادث خونین اخیر و "مهاجر عرب" نویسندگان، کارگران و کث و دران و بسیاری صا حنبهران دیگر در گفتراهای متعددی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را بررسی کرده و درخواست اصلاحات کردند و همچنین خواستار تغییر نظام نبود، اما که خواستار تغییرات در کشور بودیم، بخوبی میدانیم که غرب استعمارگر خواستار اصلاحات در سوریه نیست، بلکه خواستار تسلیم کردن موقعیت ملی سوریه است، بر این اساس ما دفاع از وطن خود را بر برابر دیگران ترجیح میدهم و بخوبی متوجه می‌شویم که ملت سوریه نیز حاضر نیست تسلط بیگانگان را بپذیرد. مردم سوریه با صداقت و صمیمیت و بسیار روشن مخالف صریح دخالت غرب و اعراب بر وطن خود هستند، هر بار که کلتیون و سارکوزی خواستار استعفا یا تسلیم شدند، ملت سوریه با خشم و غضب فریاد برآورد: "ما رئیس جمهور خود را انتخاب میکنیم و نه شما". اکنون مردم سوریه با اراده خود به خیابانها می‌آیند، هیچ اوامر حزبی و یا شخصی در کار نیست تا آنان دستور را دیکته کند، ملت سوریه خود با اراده خود به فعالیتهای سیاسی می‌پردازد، و در برابر پروژه تقسیم کشور سرخشان مقاومت میکنند ملت سوریه با اراده خود جلوی دوربین تلویزیونها حاضر میشود و از زن و مرد و همه کس نیکه تا دیروز در خانه مرستند، اما امروز در راس نهادهای خود را رأی خود را در مورد مسائل ملی و بین المللی ابراز کنند. در میان این توفان موجود، مردم سوریه به سرعت پروژه طایفهای و مذهبی و پروژه تقسیم کشور که با هدف

یادگیری کشور از مسیحیان پیش برده میشود، محکوم میکنند. کلیه باین خطر پی برده و مسیحیان برای دفاع از وطن بی‌نیاز نمی‌شوند، در تاریخ گذشته در میان ملت سوریه هیچ فرقی میان مسیحی و مسلمان وجود نداشته است برای ما بسیار مشکل است که دوستان خود را از طریق مذهب و قومیت شناسایی کنیم، سوریه دارای تمدنی بسیار قدیمی و غنی است و تاریخ این کشور با قومیت و مذهب رنگ آمیزی شده است. بر همین اساس است که یاسنی بسیار قوی و متحدان به پروژه تقسیم استعماری کشور داده میشود. در سوریه روحانیت مسلمان و مسیحی هر دو در کلیه یکدیگر را ملاقات میکنند و عبادتهای مشترک برگزار میکنند، ابتدا روحانتهای مسلمان شروع به خواندن قسمتی از مسائل عبادی مسیحیان میکنند و سپس روحانتهای مسیحی، چند آیه ای از قرآن تلاوت میکنند و البته این امر تازه ای نیست. در همین مراسم روزنامه نگاران اروپایی نیز که از سوریه دیدار

راسته اند، حرکت کرده اند.

اکنون وظیفه ما چیست؟ سوریه ای که مردم دروجشن مسلمانان و مسیحیان مشترکاً با هم مراسم برگزار کرده و به شایسته ترین سیر دارند، سوریه ای که در هنگام جنگ داخلی لبنان، ارتش خود را به آنجا فرستاد تا از مسیحیان حمایت کند. در هنگام اشغال لبنان به توسط ارتش اشغالگر صهیونیستی اسرائیل، سوریه بیس از ده هزار نفر سرباز و اسلحه خود را از دست داد. سوریه ای که در هنگام جنگ تجا و کارانه آمریکا بر علیه کُرد مستقل عراق، یک میلیون و نیم پناهنده عراقی را پذیرا شد، آری این سوریه اکنون از تجا و گروه های مسلح رنج میبرد و هم چنین از تبلیغات گسترده و دروغین غرب، سوریه را از خطا طای که در ادبای اتفاق افتاده و شخصیت های هاشم جبرال روگل نژاد نیز در رنج است، جنگی گسترده و زمینه اقتصاد و تبلیغات بر علیه سوریه جریان دارد، سوریه از اینکه انواع اسلحه های مدرن از طریق ترکیه و لبنان بدون سوریه فرستاده شده و در اختیار تروریست ها قرار میگیرد، بسیار آسیب می بیند. ملت سوریه استیادگی در برابر مشکلات و صبر کردن را از تاریخ آموخته است. اما ملت سوریه به پیروزی خود بر علیه جنایات و پرونده غربی - صهیونیستی، ایمان را سخ دارد، اما دفاع ملت سوریه از عاطفه و کرامت انسانی است، دفاع از عقل و شعور انسان که مورد اهانته رسانه های غربی قرار دارد. بر همه آزادخواهان و عقلای انسان دوست واجب است تا در این شرایط بحرانی از ملت سوریه حمایت کنند، باید به ما کمک شود تا گروه های مسلحی را که مورد حمایت غرب استعاری و تبلیغات رسانه های بین المللی آنها قرار دارد و از نظر سیاسی حمایت میشوند، کشف و رسوا کنیم.

* نویسنده و ادیب، دارای فوق لیسانس فلسفه از دمشق، دکترای ادبیات از موسکو، بیس از ۲۰ جلد آثار ادبی، سیاسی و داستان، رمان و غیره تألیف نموده است، خانم ناریو خواست از سرکسهای سوریه میباشد.

زیر نویسهای از مترجم است.

① استاد گرانقدر دکتر پارسا نایب، طم مقاله ای تحت عنوان "اوضاع متحول خاور میانه و آینده سوریه"، در تحلیل کُرد های غم چون مصر، سوریه، عراق، لیبی و یمن جنوبی، در بخش مندرجید بجز مصدق در هم این کُرد که هم دکنی ندر بودند و در نهایت بدین مؤلفه ابرام افتاده، بدعکار شدند و سقوط کردند و لمبیم شدند و ...

بمنظر میرسد که در این قضایات نقض باشد، آیا اگر مصدق ۱۵ - ۲۰ سال بر سر کار میماند، همچنان (مکررات میماند؟) بگذریم که در همان دوره کوتاه هم حزب نوره غیر قانونی بود، البته باید گفت که (مکررات منقوله منسوب و قوس داری است که غمخواران را سیاه و سفید دید، بلکه این پدیده تاریخی و بنگی به اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و در ارتباط با نقش استعمار در این یا این کُرد مورد نظر دارد، با وجود دولتهای طبعاً در جهان، (مکررات از تبعات و محلی و منطقه ای و بین المللی تأثیر میپذیرد، کُرد های مصر، سوریه، عراق، یمن جنوبی و لیبی، هیچکدام بدعکار

سوزند، لاقلاً در دوره مورد بحث و در سیکل‌های رزانه‌ها هم کمتر از دسیکلس در سوزی بنور بار نظر گرفتن موقعیت
 ویژه آنها، بل‌بویکی‌یک رونوبت ریه‌های ۱۹۲۳ جنبش اعتراض کارگران را سرکوب کردند، در دوره‌های بعدی
 کولاک‌های را سرکوب کردند و این عمل بل‌بویکی‌یک عین دسیکلس کارگری و منفع زحمت‌ان بود
 مصر، یمن، عراق، بنیه سوزی را نداشتند که در مقابل به‌هم امیر یالسی الیادگی کنند، وگرنه حکومت‌های دسیکلس
 بودند. اکنون سوریه از موضع دفاع از ملت و سرزمین خود در مقابل یک جبهه چپ امیر یالسی الیاده است، در
 سوریه علیه رژیم اشکالارزمنیه امتحانی که در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ بوجود آمد، وضع بسیار خوبی راست، سوریه ۳
 سال قبل آخرین ۵۰ میلیون دلار به‌همکاری که به‌بلغارتستان به‌همکاری بود پرداخت کرد. سهام توطئه‌ای که
 از سال‌های ۸۰ منی بر تحریم‌های مختلف بر علیه سوریه می‌شد تا بیادان و سرور و انواع خرابکاری‌ها را باید در نظر بگیرد.
 ② دو سال پیش سندی در سایت اسرائیل دیجا " منتشر شد که جزئیات یک برنامه بسیار دقیق که
 از طرف امیر بنذر، آمریکا و سایر حکومت‌های اورتجالی عرب تنظیم شده، برای سرنگون کردن دولت سوریه
 آماده کرده بودند، دو ملیارد دلار برای این کار سرمایه‌گذاری کرده بودند و نشانه‌ها برنامه عربی و
 طویل امیر یالسی‌ها و عوامل محلی آنها برای نابودی دولت سوریه بود. سایت مذکور متعلق به
 نیروهای منتقد دولت اسرائیل و بعضاً به مسائل امنیتی پیرامون.